

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: لوازم و ضروریات سربازی حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه)

(سخنرانی در اردوگاه آموزشی حضرت بقیة الله الأعظم)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذى هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت اهل بیت سپاس می گوئیم و خدا را شاکرم که توفیق پیدا کردم در جمع شما عزیزان و نونهالان اردوگاه آموزشی حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا فداه) باشم و شما را زیارت کنم.

از اینکه خداوند عالم چنین توفیقی به شما داده است تا این مسیر و این شغل و این برنامه را انتخاب کردید، اولاً خدا را شاکر باشید. فرمود:

«اللَّهُمَّ اقسِمِ لِي الكَثِيرِ مِنْ فَضْلِكَ وَ اَجْرِ الخَيْرِ عَلَيَّ يَدِي»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۹۴، ص

۳۷۷، ح ۱۶

اینکه خدا از میان دهها هزار نفر، شما را برای سربازی حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) شما را انتخاب کردند، جای شکر دارد.

(لَيْنَ شُكْرُكُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَيْنَ كَفْرُكُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ)

اگر شکر گزاری کنید (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر کفران کنید مجازاتم شدید است!

سوره ابراهیم (۱۴): آیه ۷

نکته دوم این است که کسی شما را وادار نکرد که طلبه شوید. حال که طلبه شدید، تمام توان خود را در این مسیر به کار بگیرید. ما استادی داشتیم که هرگاه ما را می‌دید، می‌گفت:

من نمی‌گویم سمندر باش یا پروانه باش

گر به فکر سوختن افتاده‌ای، جانانه باش!

حال که طلبه شدید، جانانه باشید و چنان باشید که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) به وجود شما افتخار کند. امام صادق (علیه السلام) چهار هزار شاگرد داشتند، اما از این تعداد «هشام بن حکم» گل سرسبد شاگردان حضرت بود.

«زراره»، «محمد بن مسلم»، «أبان بن تغلب» و دیگران هم شاگرد حضرت بودند، اما وقتی امام صادق «هشام بن حکم» را می‌دیدند گل از گلشان می‌شکفت و خوشحال می‌شدند و چشمان حضرت برق می‌زد و می‌فرمودند:

«نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

هشام با قلب و زبان و دستش یاور و یاری‌گر ماست.

در آن جلسه حدود چهل تن از فقها و متکلمین و بزرگان صحابه در آن جمع نشستند. وقتی «هشام» که نوجوانی کم سن و سال بود به طوری که هنوز موی صورتش در نیامده بود وارد مجلس می‌شود، حضرت او را کنار خود جای می‌دهند و می‌فرمایند:

«نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

هشام با قلب و زبان و دستش یاور و یاری‌گر ماست.

حضرت در ادامه به او می‌فرمایند:

«مِثْلُكَ فَلَيْكُمُ النَّاسُ فَاتَّقِ الزَّلَّةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

مانند تویی باید با مردم بحث کند. از لغزش بپرهیز که شفاعت ما پشت سر توست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۱۷۱، ج ۴

«هشام بن حکم» در حوزه بحث در مسائل ولایت و امامت ائمه اطهار سرآمد شاگردان حضرت و گل سرسبد عصر امام صادق در بحث و مناظره با مخالفین است.

مخالفین از زبان «هشام بن حکم» وحشت داشتند. «هارون الرشید» می‌گوید: من یک جلسه پشت پرده شاهد بحث‌های مناظره‌کنندگان بودم.

وقتی «هشام بن حکم» با یکی از این خوارج در امر امامت بحث و مناظره کرد، آنچنان از نظر عقلی زیبا استدلال کرد که «هارون الرشید» گفت:

«فَوَلَّى اللَّهُ لِسَانَهُ هَذَا أَبْلَغُ فِي قُلُوبِ النَّاسِ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ سَيْفٍ»

به خدا سوگند زبان او در قلب مردم از صد هزار شمشیر برنده‌تر است.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص

۳۶۸، ج ۵

ما باید چنین باشیم تا وقتی حضرت ولی عصر پرونده اعمال ما را می‌بیند، خوشحال شوند و مباحثات کنند. «علامه حلی» در کتاب «رجال» خود نسبت به «محمد طیار» تعبیری را از امام صادق (سلام الله علیه) نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«أن أبا جعفر عليه السلام كان يباهي بالطيار»

امام باقر به وجود محمد طیار افتخار می‌کرد.

رجال العلامة الحلی، -نویسنده: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، محقق / مصحح: بحرالعلوم،

محمدصادق، ص ۱۵۰، باب ۶۴ محمد الطیار

یعنی او خود را به مرحله‌ای رسانده بود که امام معصوم به وجود او افتخار می‌کند. شما شرح حال «محمد طیار» را مطالعه کنید.

همچنین «حمران بن أعین» جلوی امام صادق با یکی از ناصبی‌های شام مناظره می‌کند. مناظره کردن او به مذاق مرد شامی خوش نمی‌آید و می‌گوید: یابن رسول الله! من آدمم تا با شما مناظره کنم، نه با شاگردان شما!

امام صادق جمله‌ای می‌فرماید که اگر این جمله را در یک کفه ترازو و تمام ثروت و مقام‌های روی زمین را در کفه دیگر ترازو بگذارید، قطعاً این کلام امام صادق سنگین‌تر است. حضرت به مرد شامی می‌فرماید:

«إِنْ غَلَبَتْ حُمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي»

اگر بر حمران پیروز شدی، بر من پیروز شده‌ای!

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۷، ص

۴۰۷، ح ۱۱

مشاهده کنید امام صادق چه شاگردانی تربیت کردند. ما باید این مسیر و این افق را داشته باشیم، نه اینکه تنها به فعالیت‌هایی همانند روضه خواندن و مسجد رفتن و امام جماعت بودن بسنده کنیم.

البته این فعالیت‌ها خوب است، اما روند طبیعی کار است. ما باید افق کار خود را به قدری بالا ببریم تا هرگاه امام زمان (ارواحنا فداه) ما را می‌بینند، خوشحال شوند و ما را دعا کنند و به وجود ما مباحثات کنند.

برای رسیدن به این مقامات لوازمی مورد نیاز است. ناپرده رنج، گنج میسر نمی‌شود! یک سری کارهایی وجود دارد که ما باید در گوشه حوزه علمیه، مدرسه یا محضر اساتید انجام بدهیم.

ما باید به درس‌هایی که می‌خوانیم دقت کنیم و آنها را خوب بخوانیم. دقت کنیم تا یک کلمه ناپخته از ما نگذرد. ما باید مباحثه کنیم، طوری که این مباحث را کاملاً به ذهن خود بسپاریم.

اگر ادبیات خوب کار نشود، فردا در مناظره با یک سنی یا وهابی اگر یک آیه را غلط بخوانید یا یک روایت را اشتباه بخوانید یا فاعل و مفعول را جابه جا بخوانید شما را مسخره می‌کنند و دست می‌اندازند.

در این صورت اگر هزار مطلب خوب هم داشته باشید، شما را هو می‌کنند. بنابراین مبانی ادبیاتی یکی از ضروریاتی است که شما باید محکم بخوانید.

یکی از شرایطی که می‌خواهید فردا از اهل بیت، امام زمان و حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دفاع کنید این است که پایه‌ها را خوب و محکم بخوانید.

بنده همیشه می‌گویم بهترین درس خواندن چنان است که وقتی کتاب از نصف گذشت، طلبه بتواند از ابتدا آن را تدریس کند. اگر اینچنین درس می‌خوانید، خوشا به حالتان. حال اگر چنین درس نمی‌خوانید، در درس خواندن خود تجدید نظر کنید.

این معیار یک طلبه برای درس خوان است! هم باید در ادبیات و صرف و نحو قوی باشید، هم در منطق باید قوی باشید، هم در معانی بیان باید قوی باشید، هم در فقه و اصول باید قوی باشید.

اگر فردا بخواهید یک شبهه جواب بدهید یا یک بحث و مناظره داشته باشید، این علوم از ضروریاتی است که باید روی آن کار کنید.

نکته بعدی این است که شما به یک لوازم معنوی و روحی نیاز دارید. اگر آن لوازم نباشد، این درس‌ها فایده‌ای ندارد. افراد بسیاری بودند که درس هم خوب خواندند یا عالم بودند و مجتهد هم شدند، اما در جامعه تأثیرگذار نبودند.

طلبه‌ای که به تعبیر امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) نماز شب نخواند، این طلبه به جایی نمی‌رسد. شما این قضیه را یقین داشته باشید. امام خمینی می‌فرماید: کسانی که به جاهای بالا رسیدند، همگی اهل تهجد بودند.

ما سال ۱۳۴۹ یا ۱۳۵۰ که قم بودیم، در درس اخلاق «مرحوم شهید قدوسی» شرکت می‌کردیم. ایشان درس اخلاقی می‌گفت که در مسجد مدرسه حقانی از صدای گریه طلبه‌ها، آدم صدای بلندگو را نمی‌شنید.

من ندیدم هیچ مداحی از مخاطبینش به اندازه آیت الله قدوسی که در درس اخلاق از طلبه‌ها گریه می‌گرفت، گریه بگیرد؛ زیرا خودشان عامل بودند.

ایشان می‌فرمود: اگر یک طلبه وقت نماز شب بیدار باشد، اما نماز شب نخواند من این طلبه را ظالم می‌دانم. بنابراین این قضیه یکی از ضروریات یک طلبه است. خداوند متعال هم به پیغمبر اکرم می‌فرماید:

(وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا)

پاسی از شب را از خواب برخیز و قرآن (و نماز) بخوان، این یک وظیفه اضافی برای تو است، تا پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش برانگیزد!

سوره اسراء (۱۷): آیه ۷۹

«صاحب جواهر» یکی از فقهای بزرگ ماست که در بحث‌های خارج، کتاب ایشان را مطرح می‌کنند. ایشان می‌گویند: نیم ساعت یا یک ساعت قبل از اذان صبح وقت خصوصی خدا برای بندگان خصوصی است. خداوند به هرکسی توفیق نمی‌دهد که آن ساعت بلند شود و با خدای خود راز و نیاز کند.

نکته دیگر ارتباط با اهل بیت (علیهم السلام) و ارتباط با حضرت صاحب الزمان و خواندن زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا و دیگر ادعیه است. این کار به حال و هوای هرکسی بستگی دارد.

ما باید دقت کنیم رابطه خود را با حضرت ولی عصر و ائمه اطهار (علیهم السلام) قوی کنیم. بعضی افراد با توسل به رسول گرامی اسلام حاجت می‌گیرند، بعضی با توسل به امیرالمؤمنین حاجت می‌گیرند، بعضی افراد با توسل به حضرت زهرا حاجت می‌گیرد. روحیات متفاوت است؛ ائمه اطهار (علیهم السلام) باید به ما ندا بدهند تا بتوانیم به آن بزرگواران متوسل شویم.

تا که از جانب معشوق نباشد کشتی

کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد!

بنابراین ارتباط با اهل بیت و توسل به ائمه اطهار (علیهم السلام) یکی از ضروریات یک طلبه است که باید آن را رعایت کنیم.

نکته بعدی این است که تلاش کنیم در زندگی مان گناه که هیچ، مکروه هم صورت نگیرد. ما باید ببینیم گناهان و مکروهات در زندگی ما چیست.

کتاب «معراج السعادة» اثر «مرحوم نراقی» در این زمینه بسیار مفید است. «مرحوم محدث قمی» نقل می‌کند که هر جایی مسافرت می‌رفتم، این کتاب را با خود می‌بردم. بعداً دیدم این کتاب خیلی قطور است، به همین خاطر آن را به نام «مقامات العلیة» خلاصه کردم و آن را با خود می‌بردم و هر شب چند صفحه از این کتاب را می‌خواندم تا مسائل اخلاقی را از این کتاب فراگیرم.

اصلاً ما باید ببینیم رذائل و فضائل اخلاقی چیست، مکروهات چیست و مستحبات چیست. اگر یک طلبه مکروه انجام نداد، قطعاً گناه هم انجام نمی‌دهد. کسی که مستحب را انجام بدهد، قطعاً واجب از او ترک نمی‌شود.

اگر شما بهترین درس را بخوانید، زیارت عاشورا را ترک نکنید، زیارت جامعه کبیره را ترک نکنید، نماز شب هم بخوانید ولی غیبت هم بکنید هیچ فایده‌ای ندارد. در حقیقت شما یک کیسه به دست گرفته‌اید که ته آن سوراخ است. هرچیزی داخل آن بریزید، از ته آن به زمین می‌ریزد!!

بنابراین گناه و معصیت مرتکب نشدن اُس اساس کار ماست. یک گناه باعث می‌شود که اصلاً چهل روز دعاهای ما بالا نرود.

« مِنْ اغْتَابٍ مُسْلِمًا أَوْ مُسْلِمَةً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهُ وَ لَا صِيَامَهُ أَوْ بُعِينَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ صَاحِبُهُ »

هر که غیبت کند مردمسلمان یا زن مسلمانی را، خدا چهل شبانه روز نماز و روزه او را قبول نمی‌کند، مگر این که آن کسی که غیبت او شده از او عفو کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۲، ص

۲۵۸، ح ۵۳

یک غیبت چهل شب دعاهای ما را حبس می‌کند و نمی‌گذارد بالا برود. بنابراین دقت کنید این مباحث را رعایت کنید. تلاش کنیم افق کارمان جایی باشد به مرحله‌ای برسیم که احساس کنیم حضرت صاحب الزمان (ارواحنا فداه) از ما راضی است.

شخصی خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید و عرضه داشت: یابن رسول الله! شما چقدر ما را دوست دارید؟ حضرت فرمود: به قلب خود نگاه کن و بین تو چقدر ما را دوست داری!

اگر احساس کردیم امام زمان از ما راضی است، به مرحله‌ای که می‌خواهیم رسیدیم. اما اگر هنوز به آن مرحله نرسیدیم، تلاش کنیم به آن مرحله برسیم.

خدا را به حق حضرت محمد و آل محمد سوگند می‌دهم همه ما و شما را به راهی که رضایت خود او در آن است
موفق و مؤید بدارد با ذکر صلواتی بر محمد و آل محمد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته